

## عنوان مقاله:

مبهمات عناصر اشرافی، در اشعار منوچهری دامغانی

## محل انتشار:

پژوهشنامه ادب حماسی، دوره 8، شماره 13 (سال: 1391)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

## نویسندگان:

میلاذ جعفریور - دانش جوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانش گاه تربیت معلم سبزوار، ایران

مهیار علوی مقدم - استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانش گاه تربیت معلم سبزوار، ایران

## خلاصه مقاله:

از زمینه هایی که در اشعار دوره اولیه شاعران ادب فارسی نمودی آشکار و انکارناشدنی دارد، وجود عناصر اشرافی در جوف تصویر و خیال پردازای سخن سرایان است. یکی از شاعرانی که به جهت اتصال به دربار و زندگی اشرافی خود، بی گمان در بازتاب این عناصر در شعرش برکنار نمانده، ابوالنجم احمدبن قوص بن احمد منوچهری دامغانی (۴۳۲ ه.ق) است. تاکنون توجه بیش تر پژوهندگان معطوف به جلوه های تصویری و وجوه مشترک شعر این شاعر با تازی گویان بوده است، حال آن که وجود عناصر کم نظیر اشرافی از پایه های صور خیال شعر اوست. تا امروز تنها تلاش هایی اندک به پژوهش های درون متنی در سطح واژگان شعر وی دیده می شود. اخیرا شرحی بر دیوان منوچهری نوشته شده است و در آن برخی عناصر اشرافی را به دلیل عدم توجه به گوناگونی این عناصر و صورت حقیقی آن ها در بطن شعر، به نادرستی تفسیر و بیان کرده اند. این پژوهش در پی ذکر اهمیت توجه، به ارتباط عناصر اشرافی با تصویر شعر منوچهری و نمایاندن تاویلی درست از آن هاست. آن چه در این مقاله ذکر می شود، پاسخی به این سوال است که، آیا زندگی شاعر و شرایط محیطی وی در عناصر تصویرساز شعرش تاثیر داشته است؟

## کلمات کلیدی:

منوچهری دامغانی، عناصر اشرافی، تاویل عناصر

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1541815>

